

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۸

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۶

حکومت مهدوی و بازه زمانی استمرار آن

امیر غنوی^۱

مهدی صبایی^۲

رسول رضوی^۳

چکیده

گفتمان مهدویت ابعاد گوناگون و مسائل متنوعی را در برمی گیرد، یکی از مسائل مطرح در این حوزه، بازه زمانی و مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. اهمیت این مسئله بازگشت به طرح آن در جوامع حدیثی و وجود پاسخ های گوناگون به این امر دارد. با توجه به گوناگونی روایات در این مسئله، برخی به طولانی بودن مدت حکومت مهدوی و دسته ای دیگر به کوتاهی آن باور یافته اند. دیدگاه گستره زمانی حاکمیت مهدوی را افزون بر روایات، ادله ای عقلی همانند نیازمندی استقرار حکومت جهانی به زمان طولانی تأیید می کند، در سوی دیگر نیز برخی ادله همچون امکان تحقق اهداف حضرت در زمان محدود، اندیشه کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه السلام را قابل پذیرش کرده است. نگاشته حاضر تلاش دارد به چگونگی جمع میان روایات متعددی که هر دو دیدگاه به آن ها استناد داده اند؛ پاسخ گوید. در نهایت شواهد نظریه طولانی بودن زمان حکومت به نقد کشیده شده و دیدگاه کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه السلام تقویت شده است.

واژگان کلیدی

ظهور، حکومت مهدوی، برپایی قیامت، سرنوشت جهان.

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم (نویسنده مسئول) (amir_ghanavi@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث قم.

۳. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث قم.

مقدمه

بنابر برخی روایات بعد از حکومت حضرت، قیامت برپاشده و بساط دنیا برچیده خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر، ضمن معرفی همه ائمه علیهم السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأُمَّةِ مِنَ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ...
أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۷، ۲۱۳)
آگاه باشید خاتم امامان، مهدی قائم از ماست. آگاه باشید که او آشکارکننده دین و انتقام گیرنده از ظالمان است... آگاه باشید قائم، حجت باقی و پایدار است و هیچ حجتی پس از او نیست.

مطابق این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله در این خطبه حضرت مهدی علیه السلام را آخرین امام برای بشر و حجت باقی و جاودان که حجتی دیگر در پی او نیست، معرفی کرده است.^۱
بر اساس این روایات یکی از موضوعات چالش برانگیز در ارتباط با آخرالزمان، مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور است که دو نظریه طولانی یا کوتاه بودن حکومت حضرت را به دنبال داشته است.

چراکه در صورت استمرار حکومت امام مهدی علیه السلام در قالب حکومت سایر معصومان و یا صالحان، حکومت حضرت مهدی علیه السلام همانند حکومت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خواهد بود که با وجود بشارت ظهور آن حضرت در سال های متممادی توسط پیامبران گذشته، تنها ده سال به دست ایشان مدیریت شد و استبعادی را نیز به دنبال نخواهد داشت، زیرا هدف از تشکیل حکومت اسلامی از سوی حضرت مهدی علیه السلام اقامه قسط و عدل در جامعه و تداوم آن هست و در راستای تحقق این هدف، تفاوتی بین حکومت به واسطه شخص حضرت مهدی علیه السلام و یا اشخاصی همانند ایشان چون معصومان علیهم السلام و یا برگزیدگانی از بندگان صالح خداوند وجود ندارد، برخلاف آن که معتقد به برچیده شدن بساط دنیا با پایان یافتن حکومت آن حضرت، بوده باشیم.

طولانی بودن زمان حکومت امام مهدی علیه السلام را علاوه بر روایات، برخی ادله عقلی نیز تأیید می نماید و لکن وجود روایاتی که بر کوتاهی این زمان دلالت دارند در کنار خدشه بر دلایلی که بر طولانی بودن مدت حکومت ارائه شده، نظریه طولانی بودن زمان حکومت امام مهدی علیه السلام را با

۱. برای توضیح بیشتر: ن.ک: جهان پس از امام مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات، رحمن ستایش، محمدکاظم، زمستان ۹۳، مشرق موعود، ش ۳۲.

تردید مواجه کرده است. در این نوشتار تلاش می‌شود تا ضمن رفع تعارض میان روایات، به دلایل طولانی بودن مدت حکومت پاسخ داده شده و کوتاهی زمان حکومت تثبیت گردد.

دلایل نظریه طولانی بودن مدت حکومت امام مهدی علیه السلام

بسیاری از مهدویت پژوهان به طولانی بودن مدت حکومت امام مهدی علیه السلام بعد از ظهور اعتقاد دارند. طرفداران این نظریه علاوه بر روایات با بهره‌گیری از برخی استدلال‌های عقلی به اثبات این اعتقاد پرداخته‌اند که در ادامه ضمن اشاره به هر دو دسته از ادله به نقد و بررسی آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. ادله نقلی طولانی بودن حکومت امام مهدی علیه السلام

دلیل‌های نقلی که از ائمه معصومین علیهم السلام در مورد زمان حکومت امام مهدی علیه السلام در اختیار ما قرار دارد را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. دسته اول روایاتی است که در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام سؤال شده است و ایشان در مقام پاسخگویی با ذکر برخی اعداد مدت حکومت امام مهدی علیه السلام معین نموده‌اند و دسته دوم روایاتی که بدون تعیین عددی خاص به طولانی بودن مدت حکومت حضرت اشاره نموده‌اند.

۱. روایات دلالت‌کننده بر طولانی بودن مدت حکومت با ذکر عدد

در میان روایاتی که بر زمان حکومت حضرت دلالت دارند، اعدادی ذکر شده که می‌توان از آن اعداد، طولانی بودن حکومت حضرت را استفاده نمود:

... هفتاد، صد و چهل و نه نهایتاً سیصد و نه سال، زمان‌هایی هستند که در احادیث، از آن‌ها به عنوان مدت حکومت یا زندگی امام زمان علیه السلام پس از ظهور یاد شده است. (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج ۹، ۱۱۹-۱۲۰)

نقد و بررسی

همان‌طور که برخی روایات بر طولانی بودن زمان حکومت امام مهدی علیه السلام دلالت دارند، روایات به مراتب فراوان‌تری بر کوتاهی مدت حکومت دلالت دارند:

پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، چهارده، نوزده، نوزده و اندی، بیست، سی، چهل... زمان‌هایی هستند که در احادیث، از آن‌ها به عنوان مدت حکومت یا زندگی امام زمان علیه السلام پس از ظهور یاد شده است. برخی احادیث نیز از هفت سال و دو ماه و چند روز سخن گفته‌اند. (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج ۹، ۱۱۹-۱۲۰)

با توجه به وجود این مضامین متنوع و متعدد، راه کارهای مختلفی برای برون رفت از تعارض ذکر شده مطرح است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف) بررسی سندی تمامی روایات

یکی از متداول‌ترین روش‌ها در دست‌یابی به روایات صحیح از مجموعه روایات رسیده، بررسی جداگانه هریک از روایات از جهت سندی است تا با خارج شدن روایات ضعیف و محدود شدن دایره تعارض، بتوان به یک جمع‌بندی رسید و چه بسا، تعارضی باقی نماند. بر اساس نتایج به دست آمده از یکی از تحقیقات صورت گرفته در این زمینه تنها روایتی که از نظر سندی در نظر شیعه قابل قبول و استناد هست روایتی است که مدت زمان حکومت حضرت را نوزده سال دانسته است. در این روایت آمده است:

كَمْ يَوْمُ الْقَائِمِ ﷺ فِي عَالِمِهِ حَتَّى يَمُوتَ؟ فَقَالَ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً مِنْ يَوْمِ قِيَامِهِ إِلَى يَوْمِ مَوْتِهِ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۳۲، باب ۲۶، ح ۳)؛^۱

ب) تفکیک بین حکومت شخص حضرت و حکومت مهدوی

یکی دیگر از راه‌های جمع میان روایات متعدد که در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام حمل نمودن روایات کوتاهی مدت حکومت بر حکومت شخص حضرت و روایات طولانی بودن مدت، بر حکومت مهدوی که از سوی سایر معصومین یا بندگان صالح خداوند انجام می‌شود، می‌باشد.

در کتاب *دانشنامه امام مهدی علیه السلام* این گونه آمده است:

یک احتمال این است که حکومت خود مهدی علیه السلام کوتاه‌تر باشد و حکومت سایر اهل بیت علیهم السلام پس از رجعت آنان استمرار یابد و تحقق این حکومت در درازمدت و به دست دیگر امامان علیهم السلام باشد. بر این اساس، زمان‌های طولانی‌تر را باید ناظر به حکومت مهدوی دانست، نه حکومت شخص امام مهدی علیه السلام. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۹، ج ۱۲۹-۱۳۰)

نقدی که می‌توان بر این راه حل ارائه نمود آن است که: همان‌گونه که آشنایی با شأن نزول آیات، کمک فراوانی به فهم صحیح و دقیق از آیات می‌نماید، آشنایی با شأن صدور روایات نیز راهنمای خوبی در فهم صحیح و دقیق از روایات می‌باشد و این امر، تحقّق بر مقام صدور روایات را لازم و ضروری می‌نماید و از جمله راه‌های آشنایی با شأن صدور روایات، تعبیر

۱. ر.ک: مقاله بررسی روایات مدت حکومت امام زمان علیه السلام، ورمزیار، مصطفی، پژوهش‌های مهدوی، قم، ش ۶.

به کار رفته در روایات می باشد. تعبیر به کار رفته در برخی روایات همچون «رجل من اهل بیتی» (طوسی، ۱۴۲۵: ۱۸۲) و یا «یعیش» (اربلی، ۱۳۸۱: ۴۷۸) ظهور، بلکه تصریح بر این نکته دارند که محور پرسش و پاسخ، حکومت شخص حضرت (و نه حکومت مهدوی) می باشد.

ج) استفاده از تمامی روایات

راه حل دیگری که در جمع میان روایات مدت حکومت امام مهدی علیه السلام قابل ارائه است، مفروض گرفتن صحت تمام روایات می باشد، در این راه حل تلاش می شود به گونه ای میان روایات جمع گردد تا از تمامی روایات استفاده شود. علامه مجلسی با گزینش این روش در مورد روایاتی که در مورد مدت حکومت امام مهدی علیه السلام وارد شده می نویسند:

اخبار متفاوت وارد شده در زمینه مدت حکومت امام مهدی علیه السلام، برخی بر همه مدت فرمانروایی ایشان، برخی بر زمان استقرار دولت او، برخی بر سال ها و ماه ها به حساب ما و برخی هم بر سال ها و ماه های طولانی زمان ایشان حمل می شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۸۰)

همچنین ممکن است اختلاف مدت در حکومت حضرت را به مراحل قوت و ضعف حمل نمود. در کتاب *لوائح الانوار البهیه والبحور الزاخره* آمده است:

بر فرض صحت تمام روایات، می توان همه را این گونه حمل کرد که حکومت حضرت از حیث ظهور و قوت متفاوت است، مدت بیشتر را حمل بر تمام مدت حکومت از اول زمان بیعت تا آخر حکومت حمل می کنیم؛ و مدت زمان کمتر را بر حد اقل ظهور و مدت حد وسط را نیز بر حد وسط ظهور و قوت حمل می نماییم. (سفارینی، ج ۲، ۷۹)

خلاصه کلام سفارینی این است که ایشان مراحل حکومت حضرت را بر سه بخش تقسیم می کند: الف) مرحله ظهور و قوت که در آن زمان، امور رتق و فتق می شود (حد اقل)؛ ب) مرحله تثبیت و آرامش (حد وسط)؛ ج) مرحله نهایی و نهایت حکومت حضرت (حد اکثر). (رضوانی، ۱۳۸۶: ۳۶)

برخی نیز این گونه بین روایات جمع نموده اند که:

عدالت در جهان طی سه مرحله مقدماتی (۷-۸ ساله)، متوسطه (۳۰-۴۰ ساله) و نهایی (۳۰۹ ساله و بیشتر) به اجرا درمی آید. (قنبری، ۱۳۸۵: ۱۵۳)

در کتاب *تاریخ پس از ظهور* بر جمع بین روایات این ایراد وارد شده که:

این سخن بدان معنی است که امام سال های طولانی ناکام می ماند زیرا اگر روایت پنج سال را بر روایت چهل سال معطوف نماییم، نتیجه خواهیم گرفت که آن حضرت

سی و پنج سال معطل و بدون دستیابی به نتیجه‌ای معطل خواهد ماند. حال اگر روایت سیصد و نه سال را در نظر بگیریم، مدت زمان ناکامی امام در مقام مقایسه با مدت حکومت ایشان، بسیار بیشتر خواهد بود؛ و چنین چیزی در مورد کسی که قرار است غرض والای الهی از آفرینش بشر را محقق نماید، کاملاً بی‌معنی و مفهوم است. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۸)

د) تفکیک روایات به دو دسته

راه حل چهارمی که می‌توان با استفاده از مبنای اصولی «اجتماع تعداد فراوان روایات در حول یک نقطه مشترک موجب قوت مضمون مشترک میان آن‌ها شده و به ضعف سندی هر روایت به تنهایی توجهی نمی‌شود» (صدر، ۱۴۳۵: ۲۰۳) ارائه نمود عبارت از آن است که: در مقام جمع میان روایات وارد شده در مورد مدت حکومت امام مهدی علیه السلام از میان اعدادی که در تعیین مدت حکومت امام مهدی علیه السلام عنوان شده است عدد «چهل» و کمتر از آن، به عنوان زمان‌های کوتاهی که در روایات به عنوان مدت حکومت حضرت ذکر شده در یک دسته و مابقی روایات در دسته دیگری قرار داده شوند، در نتیجه مجموع روایاتی که در آن‌ها سخن از مدت حکومت امام مهدی علیه السلام به میان آمده است در دو دسته قرار خواهند گرفت؛

دسته اول: روایاتی که دلالت بر کوتاه بودن حکومت امام مهدی علیه السلام دارند. به نظر می‌رسد با توجه به انتظار چند صدساله و بشارت ظهور حکومت امام مهدی علیه السلام از زمان انبیاء پیشین تاکنون، می‌توان تمامی روایات تا چهل سال را در این دسته قرارداد، چراکه حکومت حضرت، حتی در امتداد چهل سال، مقدار کم و کوتاهی محسوب می‌شود.

دسته دوم: روایاتی که دلالت بر طولانی بودن مدت حکومت دارند. در این دسته روایات بیش از چهل سال قرار داده می‌شود.

با توجه به متعارض بودن این دو دسته از روایات و عدم امکان اخذ به هر دو دسته، دسته دوم از روایات به جهت اندک بودن در کنار ضعف سندی (که به اشکال و انواع مختلف سخن از زمان‌های متعدد نموده‌اند) توانایی تعارض با دسته اول از روایات را نداشته و از گردونه تعارض خارج خواهند شد.

فارغ از راه حل سوم (استفاده از تمامی روایات) نتیجه تمامی راه‌های ارائه شده ترجیح روایاتی است که بر کوتاهی زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارند. بر همین اساس از منظر نقلی و روایی، نظریه کوتاهی مدت حکومت حضرت بر نظریه طولانی بودن مدت حکومت حضرت اولویت دارد، لذا در جمع‌بندی از روایاتی که در مورد مدت حکومت امام

مهدی علیه السلام وارد شده است می‌توان کوتاهی زمان حکومت آن حضرت را اثبات نمود. علاوه بر آن که بالاترین عدد ذکر شده در مورد مدت حکومت امام مهدی علیه السلام ۳۰۹ سال است که در مقایسه با غیبت حضرت تاکنون و مشخص نبودن زمان ظهور (که شاید صدها سال دیگر هم طول بکشد) می‌تواند از آن به‌عنوان زمان اندک و محدود نام برد.

۲. روایات دلالت‌کننده بر طولانی بودن مدت حکومت بدون ذکر عدد

در میان روایاتی که در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام وارد شده‌اند برخی روایات بدون بیان عددی خاص، بر طولانی بودن مدت حکومت آن حضرت دلالت دارند که خود بر دو دسته قابل تقسیم می‌باشد:

دسته اول: برخی روایات به بیان کیفیت دعای برای حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارند همانند دعای فرج که در بخشی از آن این‌گونه آمده است:

حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا؛

خدایا، حضرت حجت بن الحسن را ساکن زمین گردانیده و مدت زمان طولانی در آن بهره‌مند ساز.

با توجه به برگشت ضمیر در واژه «تمتعه» به وجود مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام روشن می‌شود که ائمه معصومین علیهم السلام در ضمن این دعا درخواست حکومتی طولانی برای آن حضرت را به مردم تعلیم می‌دهند.

در کتاب *دانشنامه امام مهدی علیه السلام* در تبیین این دلیل آمده است:

دستور اهل بیت علیهم السلام است که برای بقای او بر روی زمین و تمتع طولانی او دعا کنیم: «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن...». تمتع طولانی ایشان پس از استقرار حکومت‌شان خواسته می‌شود: «حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً». اگر مقرر باشد که دوران زندگی ایشان پس از استقرار حکومت‌شان کوتاه باشد، وجهی برای آموزش این دعا و خواندن آن وجود ندارد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۹، ۱۳۳)

دسته دوم: در برخی روایات از طولانی شدن عمرها در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام سخن به میان آمده است؛ از جمله در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که:

در دوران حکومت او مرد آن چنان عمر دراز یابد که هزار پسر برای او زاده شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۵۲، ح ۳۳۰)

نویسنده کتاب تاریخ پس از ظهور در توضیح این دلیل می نویسد:

طولانی شدن عمر مردم، مستلزم طولانی بودن عمر خود اوست وگرنه طول عمر مردمان در زمان او نخواهد بود. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۸)

نقد و بررسی

در مورد دعای فرج دو پاسخ قابل ارائه می باشد:

الف) در این فراز دعا «حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا» «خدایا، حضرت حجت بن الحسن را ساکن زمین گردانیده و مدت زمان طولانی در آن بهره مند ساز» از خداوند درخواست و تقاضایی مطرح شده و درخواست یک مطلب هیچ گونه تلازمی با پذیرش و یا وقوع خارجی آن ندارد. در جستجو در منابع روایی می توان به مواردی دست یافت که حتی درخواست پیامبران نیز مورد اجابت قرار نگرفته است به عنوان نمونه در روایت است که: جابر بن سمره می گوید: امیرالمؤمنین از پیامبر خدا ﷺ نقل می کند که فرمود:

از پروردگارم سه خصلت خواستم، پس دوتا را به من داد و یکی را نداد، گفتم: پروردگارا، امت مرا با گرسنگی هلاک مکن، فرمود: این را به تو دادم، گفتم: پروردگارا، بر امت من دشمنی از مشرکان را مسلط مکن که آن ها را نابود سازد، فرمود: این را به تو دادم، گفتم: پروردگارا، میان آن ها جنگ با یکدیگر را قرار مده، پس خدا این حاجت را روا نکرد. (صدوق، ۱۴۱۴: ج ۱، ۸۳)

و یا در دعاهای ماه مبارک رمضان از نبی گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که مسلمانان را به خواندن این دعا بعد از هر نماز سفارش نموده اند که:

اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ الشُّرُورِ اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ غَرِيْبٍ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدْيُونٍ [مَدِينٍ] اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن كُلِّ مَكْرُوبٍ اللَّهُمَّ زِدْ كُلَّ غَرِيْبٍ اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ أَسِيرٍ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ اللَّهُمَّ سُدِّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ اللَّهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَ اغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای خدا بر اهل قبور نشاط و سرور عطا کن، هر فقیری را بی نیاز گردان، هر گرسنه را سیر گردان، هر برهنه را بپوشان، قرض هر مدیونی را ادا فرما، هر غمگینی را دل شاد ساز، هر غریبی را به وطن بازسان، هر اسیری را آزاد گردان، مفساد امور مسلمانان را اصلاح فرما، هر مریضی را شفا عنایت کن، به غنای خود مانع از فقر ما شو، بدی های حال ما را به خوبی صفات خودت تغییر ده، دین ما را ادا فرما، و فقر ما را بدل به بی نیازی فرما که تو بر هر چیزی توانایی. (کفعمی، ۱۴۰۵: ۶۱۸)

مهر

سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۶

۱۰۸

با آن که قطعاً چنین درخواست‌هایی تاکنون به اجابت نرسیده است. (ب) این احتمال نیز ممکن است که واژه «طویلا» در این دعا کنایه از گستردگی و جهان‌شمولی حکومت حضرت باشد و در این بخش از دعا درخواست جهانی بودن حکومت حضرت مورد درخواست است. آن‌چه این احتمال را قوت می‌بخشد روایت‌های گوناگونی است که از این دعا در سایر کتب وارد شده است از جمله: علامه مجلسی در فصل «فی ما نذکره مما یختم به کل لیلۃ من شهر رمضان» از «محمد بن عیسی بن عبید» با نسبت دادن این دعا به یکی از معصومین علیهم‌السلام می‌فرماید:

در شب بیست‌وسه از ماه مبارک رمضان این دعا را در حالت ایستاده یا نشسته و در هر حالی و در تمام ماه مبارک رمضان و هر طور که برایت ممکن و مقدور است و در تمام دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از تکریم و بزرگداشت خداوند متعال و درود بر پیامبر و اهل بیت او بگو: اللهم کن لولیک القائم بأمرک الحجة بن الحسن المهدی علیه و علی آبائه أفضل الصلاة والسلام فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصرأ و دليلاً و مؤيداً حتى تسکنه أرضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً و عرضاً و تجعله و ذریته من الائمة الوارثین. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۴، ۳۴۹)

چنان که ملاحظه می‌گردد در این دعا به جای واژه «طویلا» از واژه «طول» استفاده شده و بعد از آن از واژه «عرض» استفاده شده که در کنار هم قرار گرفتن این دو واژه همان معنای گستردگی و جهانی بودن را افاده می‌نماید. آن‌چه این احتمال را تقویت می‌نماید روایت شیخ طوسی در کتاب «تهذیب الاحکام» از این دعا است (طوسی، ۱۴۰۱: ۱۰۲، ح ۲۶۵) در این روایت به جای عبارت «تمتعه» از عبارت «تمکنه» استفاده شده که با توجه به معنای لغوی آن (توانایی و چیرگی بخشیدن) با واژه «طول» تناسب بیشتری دارد و آیه‌ای هم که این واژه در آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته از امور مهمی مثل حاکمیت و قدرت، سخن به میان آورده است مثلاً می‌فرماید:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱)

یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خدا است.

(ج) علاوه بر آن که با توجه به روایت پیش گفته روشن می‌شود برای واژه «طویل» نسخه بدل هم وجود دارد و بر این اساس نمی‌توان با استناد به این واژه، طولانی بودن حکومت را

اثبات نمود.

اما در مورد طولانی شدن عمر در زمان امام مهدی علیه السلام نیز دو پاسخ می توان داد:
الف) هم چنان که در عرب متداول است در بسیاری از موارد اعدادی همچون هفتاد و هزار،
کنایه از کثرت می باشد چنان که در قرآن کریم آمده است که:

وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ
مَا هُوَ بِمُزْخَرَجِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنَّ يَعْمَرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ؛ (بقره: ۹۶)

آن ها را حریص ترین مردم حتی حریص تر از مشرکان بر زندگی (این دنیا و اندوختن
ثروت) خواهی یافت (تا آن جا) که هر یک از آن ها دوست دارد هزار سال عمر کند
درحالی که این عمر طولانی او را از عقاب خداوند باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال
آن ها بینا است.

بنابراین به یقین می توان ادعا نمود که مراد امام، ظاهر روایت که فردی دارای هزار پسر باشد
نمی باشد بلکه این تعبیر کنایه از طولانی بودن می باشد و همان طور که احتمال طولانی بودن
مادی محتمل می باشد این احتمال هم وجود دارد که مراد ارزشمند شدن زمان حضور آن
حضرت باشد که با وجود محدود بودن از جهت زمان دارای ارزشمندی بسیار می باشد. به تعبیر
دیگر: زندگی در آن دوران به قدری ارزشمند می باشد که حتی درک دوران کوتاه آن، همانند
زندگی بسیار طولانی در غیر این دوران می باشد. در کتاب «روزگار رهایی» در تبیین این نکته
آمده است:

اگر مدّت حکومت حضرت بقیة الله علیه السلام هفت سال از سال های عادی باشد باز هم بیش
از هفتاد سال ارزش دارد، زیرا همه اش آسایش و آرامش خواهد بود، دیگر از این تضادها
و تراحمات خبری نخواهد بود، کسی برای ثروت اندوزی و کینه توزی با دیگری سر
ستیز نخواهد داشت، بلکه همه اش تلاش در عبادت و اطاعت و خدمت به خلق و صفا
و صمیمیت خواهد بود که هر ساعت آن بیش از ماه ها و سال های دیگر دوران ارزش
دارد و اصلاً نمی توان مقایسه نمود. (سلیمان، ۱۳۸۶؛ ج ۲، ۶۳۵)

ب) راه حل دیگر نمادین دانستن این نوع از نشانه ها می باشد. در مورد نمادین یا
واقعی بودن نشانه های ظهور تحقیقاتی صورت گرفته است.^۱ که بررسی امکان ورود این
بحث به سایر نشانه ها از جمله نشانه های دوران ظهور امام مهدی علیه السلام نیازمند تحقیقی
مستقل می باشد.

۱. برای توضیح بیشتر: ن. ک: نمادگرایی در نشانه های ظهور، الهی نژاد، حسین، تابستان ۹۵، مشرق موعود، ش ۳۸، قم.

۲. ادله عقلی طولانی بودن حکومت امام مهدی علیه السلام

برای طولانی بودن مدت حکومت امام مهدی علیه السلام به برخی ادله عقلی استناد شده؛ که در ادامه به برخی اشاره می‌گردد:

۱. تناسب غیبت طولانی با درازی زمان حکومت

طبیعت یک انتظار طولانی برای تحقق وعده حکومت صالحان در زمین که از زمان حضرت آدم علیه السلام آغاز و تا زمان نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و سایر ائمه معصومین علیهم السلام امتداد پیدا نموده است و در قرآن مجید با آیه شریفه:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (نور: ۵۵)؛

خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آن‌ها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد.

پیوسته نسبت به آن توجه داده شده، طولانی بودن این حکومت هست.

توضیح مطلب آن‌که: غیبت بیش از هزارساله، وعده حکومت صالحان در زمین در آیات متعدد قرآن مثل آیه شریفه:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)

ما در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

و یا آیه شریفه:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)

اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم و آن‌ها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم!

و یا آیه شریفه:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (نور: ۵۵)؛

خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آن‌ها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد.

که بشارت آن توسط پیامبران و ائمه علیهم السلام در طول قرون متمادی به مردم داده شده با دولت کوتاه و چندساله آن حضرت همخوانی ندارد.

نگارنده کتاب *منتخب الاثر* در تبیین این دلیل نگاشته اند که:

در اکثر آن‌ها (اخبار) مدت کوتاهی برای حکومت حضرت تعیین شده که مناسبتی با آن واقعه عظیم که پیامبران به آن بشارت داده‌اند و آیاتی از قرآن کریم بر آن تطبیق داده شده ندارد. پس از آن که بشریت در طول تاریخ حیات و تمدن خویش زیر یوغ ستمگران انواع ظلم‌ها و تبعیض‌ها و محرومیت‌ها را تحمل کرده است ظهور حکومتی عادل با عمری کوتاه به این می‌ماند که به یک زندانی محکوم به حبس ابد که پدران و اجداد او نیز سرنوشت‌شان همین بوده و همگی پیش از او در زندان مرده‌اند بشارت بدهند که تو در آخرین ساعت یا آخرین روز از حیات خود از زندان آزاد خواهی شد و به این ترتیب آینده‌ای درخشان همراه با امنیت و عدالت در انتظار توست. آیا او حق ندارد که بگوید: این آزادی یک ساعته یا یک روزه در مقابل این دوران طولانی زندانی که در آن پدرانم را از دست داده‌ام و انواع محرومیت‌ها و رنج‌ها تحمل کرده‌ام چه ارزشی دارد؟ (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ج ۶، ۷)

در کتاب حکومت جهانی مهدی علیه السلام در تبیین این مطلب آمده است:

مسلم است که این آوازه‌ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه مدت نیست بلکه قطعاً برای مدتی است طولانی که ارزش این همه تحمل زحمت و تلاش و کوشش را داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۸۱)

همچنین نگارنده کتاب *دانشنامه امام مهدی علیه السلام* در تبیین طولانی بودن مدت حکومت امام مهدی علیه السلام نوشته است:

پذیرش این مطلب که مردم، قرن‌ها برای تحقق حکومت عدل مهدوی در انتظار باشند و سختی و مشکلات بسیاری را در این راه تحمل کنند، ولی این حکومت، چند سالی بیشتر به طول نینجامد و بساط جهان درهم پیچیده شود، بسیار دور از ذهن است. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۹، ۱۳۲)

نقد و بررسی

در پاسخ به این شبهه به برخی نکات که می‌تواند ما را در ارائه تحلیلی مقرون به صواب از پذیرش کوتاهی حکومت آن حضرت در دوران ظهور یاری نماید، اشاره می‌گردد:

الف) همیشه ایجاد بسترهای یک حرکت و انقلاب، نیازمند صرف زمان‌های طولانی برای فراهم نمودن مقدمات و لوازم آن است و هر مقدار ابعاد این حرکت و انقلاب گسترده‌تر باشد نیازمندی آن به فراهم شدن مقدمات آن بیشتر خواهد بود و طبیعی است که زمان فراوانی را برای این امر باید سپری نمود. انقلاب حضرت مهدی علیه السلام نیز از این قانون مستثنا نیست لذا در

روایتی از نبی اکرم ﷺ وارد شده که فرمودند:

خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیت مرا درک می کند قبل از قیامت، از او به عنوان امامش پیروی و از دشمنانش بیزار می جوید، این افراد دوستان من و بزرگوارترین امت من می باشند. (نعمانی، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷)

به عنوان نمونه یکی از مقدمات لازم در تشکیل انقلاب آن حضرت ایجاد لشکر ۳۱۳ نفری آن حضرت است که در روایات متعددی به آن اشاره شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰، ۸، ۴۹) و طبیعی است به وجود آمدن این تعداد نفر با آن ویژگی های خاص نیازمند بستر زمانی بسیار گسترده ای است.

ب) قیام حضرت مهدی علیه السلام مهم ترین تغییر در جهان است که مبتنی بر ایمان و اعتقاد به لزوم تغییر و همچنین رفتار متناسب با تغییر مورد نظر است. بر اساس نظریه تغییر در تغییرات اجتماعی، تغییر اکثریت افراد اجتماع زمینه ساز خواهد بود؛ و تا اکثریت جامعه خواستار تغییر جامعه نباشند، تغییر واقع نمی شود (سبحانی نیا، ۱۳۸۸: ۲۸) و خواست اکثریت حاکی از فراهم شدن زمینه برای ایجاد تحول است و در این صورت بخش اعظم و اصلی کار صورت گرفته است، چراکه هر زمان خواست اکثریت فرارسد ظهور نیز خواهد بود و از همین جا می توان درستی کلام خواجه نصیرالدین طوسی را دریافت که می نویسد:

وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منّا؛

وجود امام لطف است و مدیریت او لطف دیگری است و عامل عدم حضور او ما هستیم. (خواجه طوسی، ۱۴۱۵: ۳۶۲)

علامه حلی در تحلیل این عبارت می نویسد:

آن چه بر خداوند واجب است آفرینش امام و آموزش علوم به او و فراهم کردن زمینه شناسایی او و معرفی به مردم است و این کار را خداوند انجام داده است آن چه بر امام واجب است پذیرش امامت و تحمل مشکلات امامت است که امام این کار را انجام داده آن چه بر خلق واجب است یاری کردن امام و اجرا کردن دستورات اوست که مردم این کار را انجام نداده اند بنابراین عدم تحقق لطف کامل به علت مردم است و نه خدا و امام. (خواجه طوسی، ۱۴۱۵: ۳۶۳)

بنابراین، عامل تداوم غیبت، همکاری نکردن مردم است که کاری اختیاری است و تا این عامل به همکاری تبدیل نشود، ظهور اتفاق نخواهد افتاد. (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۱۵۱) بر همین اساس می توان به فهم این روایت رسید که فرمود:

انتظارالفرج من الفرج؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۹، ح ۴۷۱)
انتظار فرج، خود، فرج است.

همچنین با توجه به این نکته می‌توان به علت ذکر ثواب‌های فراوان برای منتظران فرج حضرت که در روایات متعدد به آن اشاره شده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج ۵، ۳۲۹ به بعد) دست‌یافت. بنا بر آن چه گفته شد عمده کار در بخش فراهم شدن مقدمات ظهور متمرکز شده و همین امر نیز نیازمند بستر زمانی فراوانی است.

(ج) ویژگی‌های ترسیم شده برای حکومت امام مهدی علیه السلام نیز از جمله اموری است که می‌تواند پذیرش نظریه کوتاهی مدت حکومت آن حضرت را مورد تسهیل قرار دهد. براساس آن چه از روایات استفاده می‌شود کامل شدن عقول مردم که در برخی روایات به آن اشاره شده همانند روایتی که می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر روی سربندگان خواهد گذاشت و بدین وسیله، عقل‌های آنان جمع می‌شود و اخلاق‌شان کامل می‌شود. (الکافی، ج ۱، ۲۵، ح ۲۱)

نشان از فراهم شدن بستری از تیزهوشی همراه باکمال اخلاقی در مردم، می‌باشد که موجب کاهش و عدم نیاز به زمان زیاد برای انجام آن‌ها خواهد گردید. به تعبیری دیگر: این گونه از احادیث، نشانه سرعت و گسترش و توسعه علوم در میان مردم است که به دست امام مهدی علیه السلام صورت خواهد گرفت (رضوی، ۱۳۸۴: ۱۵۹) بنابراین حضرت اموری را که نیازمند کار و تلاش باشد در ضمن روزهای اندک به سرانجام خواهد رساند آن هم نه در قالب معجزه و انجام امور خارق‌العاده بلکه در بستری عادی، در سایه رشد و پیشرفت‌های علمی (شاکر، ۱۳۹۴: ج ۳، ۲۳۹-۲۷۰).
در روایتی دیگر آمده است:

حضرت مردم را طی سه روز فرامی‌خواند ولی هیچ‌کس جوابی نمی‌دهد پس در روز چهارم از خداوند تقاضای کمک می‌نماید... (طبری، ۱۴۱۳: ۴۵۵)

فراخوان حداکثر سه روزه و راه کار جدید برای انجام مقدمات حکومت در روز چهارم، همگی حاکی از سرعت انجام امور در حکومت حضرت است، هم‌چنان‌که در برخی روایات مجموع زمان جنگ‌های حضرت هشت ماه ذکر شده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج ۹، ۱۰۳).
از آن چه ذکر شد می‌توان این گونه نتیجه‌گیری نمود که میان طولانی بودن غیبت امام زمان علیه السلام و طولانی مدت حکومت آن حضرت تلازمی وجود ندارد تا از طولانی بودن غیبت آن

حضرت بتوان طولانی بودن مدت حکومت آن حضرت را استفاده نمود.

۲. نیازمندی استقرار حکومت جهانی به زمان طولانی

استقرار حکومت عادلانه در سراسر زمین پس از قرن‌ها حاکمیت کفر و ظلم، با توجه به روش حکومتی حضرت در استفاده نکردن از معجزه در انجام امور که همان روش اجداد پاهرشان علیهم‌السلام است، نیازمند کوشش‌های طولانی و گسترده است و این امر نیازمند آن است که حضرت مهدی علیه‌السلام سال‌ها در جهان حضور داشته باشد تا بتواند به اهداف خود جامه عمل بپوشانند.

در کتاب *موعودشناسی* و پاسخ به شبهات، این استدلال این‌گونه تقریر شده است:

مطابق قواعد عمومی، حدّ زمان لازم برای حکومت عدل جهانی توحیدی امام زمان علیه‌السلام باید وقت وسیعی باشد که بتواند اهداف عالی خلقت بشر در این دنیا در آن مدّت زمان تحقق یابد. این مطلب را با مقدماتی کوتاه تقریر می‌کنیم: الف) هدف از خلقت ایجاد عبودیت خالص در سطح کل جامعه است، عبودیت در سطح وسیعش به نحو استغراقی نه بدلی. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶)؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای این‌که عبادتم کنند. ب) حضرت مهدی علیه‌السلام با برپایی حکومت جهانی‌اش در پیاده نمودن این هدف سهم‌عظیمی دارد. ج) پیاده کردن این هدف عظیم احتیاج به زمان کافی دارد، زیرا اصل بر عدم معجزه است. نتیجه: بقای امام و حکومت او در مدت کافی برای تطبیق هدف عالی خلقت انسان ضروری است، زیرا هدف خلقت بشر بر دو نوع است: ۱. هدف کلی: برای مجموعه بشر که در نهایت باید به نحو عام استغراقی، تمام بشر به کمال برسند؛ ۲. هدف مقطعی: که برای بشر در هر برهه زمانی متصوّر است و آن به نحو عام بدلی برای برخی از افراد بشر تحقق یافته است. (رضوانی، ۱۳۸۸: ۶۵۲)

در کتاب *دانشنامه امام مهدی علیه‌السلام* این دلیل این‌گونه تبیین شده است:

مأموریت و رسالت مهدی علیه‌السلام تحقق ارزش‌های الهی و قرآنی و تأسیس جامعه توحیدی به معنای کامل آن است به گونه‌ای که هیچ‌گونه اثری از شرک در آن دوره مشاهده نشود: ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ (نور: ۵۵) تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند. مسلم است که تأسیس چنین بنای عظیم، آن‌هم با آن عمق و گستردگی غیرقابل توصیف، کاری است که با توجه به روند طبیعی امور و عدم استفاده از قدرت اعجاز (مگر در موارد ضرورت)، نیاز به گذشت زمان دارد. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ج ۹، ۱۲۹)

در کتاب تاریخ پس از ظهور این گونه آمده است:

غرض از آفرینش، پرستش خالصانه پروردگار و اجرای عدالت کامل در عرصه گیتی است. بدین منظور خداوند بزرگ برنامه‌ای بلندمدت را در قالب برنامه کلی پیش از ظهور، برای پدید آمدن شرایط آن تدارک دیده است و از سوی دیگر برای تداوم آن و نگهداری اش از زوال و نابودی، برنامه‌ای کلی را برای دوره پس از ظهور فراهم آورده است؛ همان برنامه‌ای که در مسیر طولانی اش، جامعه معصوم بشری را به ثمر خواهد نشاند. همچنین پیش‌تر با نقش محوری امام مهدی علیه السلام در هر دو برنامه آشنا شدیم؛ او ثمره و نماد پایان برنامه نخست و نقطه آغازین برنامه دوم می‌باشد و نخستین کسی است که نقش عدالت کامل را بر سیمای زمین حک خواهد نمود. این موضوع (با چشم‌پوشی از هر چیز دیگر) زمانی کافی را می‌طلبد تا مقصود حاصل گردد؛ در غیر این صورت امام مهدی علیه السلام نخواهد توانست در مدتی کم عدالت را پیاده سازد و در نتیجه غرض والای پروردگار عقیم می‌ماند که آن هم محال است. قبلاً هم گفته‌ایم که در چنین موردی، جایی برای معجزه نیست. ناگزیر امام باید آن قدر زنده بماند تا عدالت را کاملاً پیاده ساخته و تداوم آن را پس از خودش تضمین نماید؛ زیرا هنگامی که به میراث مصیبت باری که از دوره غیبت کبرا به عصر ظهور رسیده، بنگریم و سرپیچی مسلمانان را (چه رسد به غیرمسلمانان) از اصول اولیه اسلامی و تمسخر آن‌ها را نسبت به احکام الهی در نظر آوریم و اوضاع آشفته اخلاقی، اقتصادی، روانی، قانونی و اجتماعی آن‌ها را که فروپاشی اش هم چون روز روشن است، ملاحظه نماییم تا حدودی خواهیم توانست میزان تلاش سترگی را که جا دارد آن حضرت می‌ذول دارد تا دوزخ زمین را تبدیل به بهشت سازد، حدس بزنیم. البته این مقصود، تنها با فتح جهان و چیرگی بر آن به دست نمی‌آید؛ زیرا در آن زمان هرچند همه سرزمین‌ها اسلامی‌اند و از نظر فقهی و قانونی زیر نظر حکومت اسلامی می‌باشند، ولی تربیت آن جوامع بسیار پیچیده‌تر از فتح آن‌هاست و در حقیقت آن فتوحات، پیش‌درآمد تربیت جامعه بشری است و نه طمع سلطه بر آن. وظیفه امام مهدی علیه السلام آن است که عدالت کامل را به طوری که قابلیت تداوم داشته باشد، در جامعه بشری تثبیت نماید هرچند که مقام پیشوایی پس از او به مؤمنان مخلص دیگری وانهاده شود؛ بنابراین مدت زمان حضور حضرت در عرصه خاک و به دنبال آن، مدت زمان حکومت ایشان، باید برای به بار نشستن آن نتایج کافی باشد. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۲)

همچنین در بخشی دیگر می‌نویسد:

امام مهدی علیه السلام همه دنیا را مانند ذوالقرنین فتح می‌نماید و به همه سرزمین‌ها وارد

می‌شود و در آنجا مساجدی خواهد ساخت و... بی‌شک در مدت نه سال و کمتر از آن، حتی نمی‌توان یک چهارم مناطق مسکونی جهان را گردش و سیاحت نمود چه رسد به این که کسی در این فاصله، به جهاد و نبرد بپردازد، لشکرهای نظامی‌اش را سامان دهد و در همه سرزمین‌های جهان مسجد بنا نماید و... (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۹)

در کتاب *معرفت امام زمان و تکلیف منتظران* هم در تبیین نیازمندی به زمان برای استقرار حکومت آن حضرت آمده است:

استقرار حکومت عادلانه در سراسر زمین پس از قرن‌ها حاکمیت کفر و ظلم نیازمند مجاهدتی طولانی و گسترده است و قطعاً حضرت مهدی علیه السلام باید سال‌ها در جهان حضور داشته باشد تا بتواند به همه اهداف خود جامه عمل بپوشاند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۶۲۱)

نقد و بررسی

برخی پاسخ‌ها که می‌توان از این دلیل ارائه نمود عبارت‌اند از:

الف) زمینه و بستر بسیاری از امور لازم برای یک حکومت در طول دوران غیبت با مدیریت از فرادست آن حضرت فراهم شده است چه آن که معنای صحیح «غیبت» از نظر شیعه به معنای ناپیدا بودن در مقابل «ظهور» است و نه به معنای «ناپدید بودن» در مقابل «حضور»؛ بنابراین از دیدگاه شیعیان، غیبت دوره‌ای است که آن حضرت در میان مردم هست، ولی ظهور ندارد و وجود امام در میان مردم به معنای انجام امور لازم و مرتبط با امامت است و چه بسا در حال غیبت توان انجام بسیاری از امور فراهم است که در حال حضور، انجام آن با دشواری‌هایی همراه است. لذا باید نگاه منتظر واقعی امام مهدی علیه السلام از حکومت آن حضرت تغییر نموده و امام زمان علیه السلام را امامی بداند که در حقیقت عهده‌دار امامت و امام عصر غیبت است؛ امامی که از آغاز، با غیبت شروع کرده و تقریباً تمامی دوره امامت خویش را در غیبت و با نوعی خاص از مدیریت به انجام رسانیده است. (غنوی، ۱۳۹۳: ۲۷)

ب) در کتاب *تاریخ پس از ظهور* این گونه به این اشکال پاسخ داده شده است: طولانی بودن جنگ‌ها برای استقرار حکومت نسبت به تصور ما از شیوه‌های قدیمی جنگ، بسیار منطقی می‌باشد ولی اگر جنگ‌های مدرن این روزگار و نیز ضمانت‌های پیروزی امام را در نظر آوریم، نکته درستی نخواهد بود. (صدر، ۱۳۸۴: ج ۱، ۳۸۷) نگارنده کتاب، نکته پیش گفته را در قالب دیگر این گونه به نگارش درآورده است:

نباید از زمان نسبتاً کوتاه این رویداد شگفت‌زده شد زیرا مأموریتی را که امام بر دوش

دارد، دیگران نخواهند توانست حتی در طول یک قرن هم به انجام رسانند؛ باری، بشریت در طول تاریخ دراز خود از انجام این کار عاجز بوده است. درحالی که می‌توان تصور نمود آن حضرت با قابلیت‌هایی ژرف و دانش و توفیق الهی و به مدد شایستگی یارانش که فرماندهان و قاضیان و حاکمان دولت اویند، خواهد توانست آن مأموریت را در زمانی نسبتاً کوتاه به انجام رساند؛ چیزی که انجامش توسط دیگران به افسانه می‌ماند. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۲)

ج) در کتاب *المهدی فی کتب الصحاح والسنن* در تبیین روایاتی که دلالت بر کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه السلام دارند آمده است:

این خود فضیلتی بزرگ برای مهدی است که قیام او برای اصلاح دینی و دنیایی وعده داده شده، در این مدت کوتاه رخ می‌دهد. چنان که قیام جد بزرگوار او - درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد - نیز در مدت هشت سال؛ یعنی از سال دو هجری به بعد، به ثمر نشست. (سید صدرالدین صدر، ۱۴۲۴: ۲۴۱-۲۴۲)

د) نویسنده کتاب *منتخب الاثر فی الامام المنتظر* نیز کوتاهی حکومت حضرت را امری قابل قبول دانسته و می‌نویسند:

چه اشکالی دارد که مدت کوتاهی که در روایات ذکر شده مربوط به سال‌های اوج قدرت و کمال تسلط حضرت بر شرق و غرب عالم باشد که همه گیتی را در آن پر از عدل و داد می‌کند و این دوره کوتاه در مقابل مدتی است که زمین از ظلم و جور پر می‌شود و حق به حدی منزوی می‌گردد که هیچ کس جز در نهان نمی‌تواند نام «الله» را به زبان بیاورد و اما ظلم و ستمی که جهانی نباشد و باطلی که در برابر حق قرار می‌گیرد، امری است که طبع این عالم مادی همواره آن را اقتضاء می‌کند و همیشه وجود دارد، جز در همان مدت کوتاهی که حکومت حضرتش همه نقاط جهان را فرامی‌گیرد. (صافی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۸، ۹)

ه) در کتاب *فرهنگ‌نامه مهدویت* در بیان چگونگی تناسب زمان محدود برای آن انقلاب بزرگ آمده است:

فلسفه امام مهدی علیه السلام همانند فلسفه بعثت انبیا و رسولان الهی است. منظور از برانگیخته شدن رسولان الهی، ابلاغ دستوره‌های خداوند سبحانه و تعالی و نصب مشعل فروزان هدایت بر سر راه کاروان بشریت است. طولانی یا کوتاه بودن مدت ابلاغ رسالت، به اصل آن آسیب نمی‌رساند. دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیست و سه سال بود؛ ولی واپسین پیام الهی را ابلاغ کرد و این مشعل هدایت را برافروخت. از سوی دیگر،

می‌توان به مدت نبوت حضرت نوح علیه السلام اشاره کرد که برخلاف مدت طولانی آن، به دلیل عدم تحقق شرایط مساعد، نتیجه قابل توجهی به بار نیاورد. دوران امامت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین است. مقصود اصلی ابلاغ رسالت الهی و تحقق بخشیدن به حکومت جهانی خداوند سبحانه و تعالی و حاکمیت مستضعفان است؛ هرچند در مقایسه با کل تاریخ، سالیانی محدود باشد. (سلیمیان، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

۳. اقتضای لطف الهی

مردمان بسیاری در طی قرون متمادی در صبح و شام در دعا‌های خود درخواست درک محضر آن حضرت را می‌کنند و انتظار آن است که این دوران آن قدر طولانی باشد تا موجب فراموشی دوران سخت و طولانی غیبت باشد، درحالی که بنا بر کوتاهی مدت حکومت، امکان اجابت چنین درخواستی مقدور نخواهد بود.

آیت الله محمد صدر می‌نویسند:

لطف و کرم الهی اقتضا دارد که مدت حکومت عدل، آن قدر باشد که مردم تلخی‌های دوران ستم و بیداد را فراموش کنند و برای این منظور، هفت یا نه سال زمان کمی است. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۹)

نقد و بررسی

بی‌تردید درک برخی از زمان‌ها، از جمله آرزوهای مؤمنان در طول تاریخ بوده است، چنان که امام حسین علیه السلام در دعای عرفه، خدای را از بابت درک زمان ظهور نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و به دنیا نیامدن در زمان جاهلیت شکر نموده و می‌فرماید:

لم تخرجنی لرأفتک بی و لطفک لی و احسانک الیّ فی دولة ائمة الکفر؛ (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ج ۲، ۷۴)

از رحمت و لطف مرا در زمان دولت سران کفر به دنیا نیاوردی.

در مورد درک حضور زمان امام مهدی علیه السلام نیز امام صادق علیه السلام از توفیق درک آن زمان این‌گونه تعبیر می‌نمایند:

طوبی لمن ادرکه؛ (نعمانی، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷)

خوشا به حال کسی که او را درک نماید.

ولیکن توجه به این نکته لازم است که:

الف) این‌گونه نیست که به فراموشی سپردن تلخی دوران ستم و بیداد، همیشه با طولانی بودن و استمرار زمان عدل و داد، تلازم و رابطه تنگاتنگ داشته باشد بلکه ممکن است در ظرف

زمانی محدود نیز در سایه سار حکومت مهدوی به گونه‌ای عمل گردد که به راحتی کمبود سال‌های طولانی سختی و مشقت جبران گردد، همان‌طور که در امور دنیوی نیز بعضاً شاهد چنین رویکردی می‌باشیم.

ب) همان‌گونه که بی‌تردید درک افرادی که حکومت آن حضرت را خواهند دید، از جهت کوتاهی و طولانی بودن عمر متفاوت خواهد بود و هرگز نمی‌توان این تفاوت را دلیلی بر عدم لطف و کرم الهی نسبت به آن‌ها دانست بلکه هرکس متناسب با دریافت خود مورد محاسبه قرار خواهد گرفت؛ در مقیاسی گسترده‌تر کوتاهی مدت حکومت امام مهدی علیه السلام نیز این‌چنین خواهد بود.

ج) علاوه بر آن که در صورت خواست خداوند، امکان تحقق درخواست مؤمنین در قالب رجعت ممکن و میسر است.

پاسخ‌های کلی بر نظریه طولانی بودن مدت حکومت

در کنار پاسخ‌هایی که به‌طور خاص به دلیل‌های مطرح‌شده ارائه گردید، توجه به این نکته بایسته به نظر می‌رسد که گام اول در ورود به هر مسئله تعیین رویکرد عقلی و یا نقلی متناسب با آن مسئله و یا موضوع است؛ مسئله مدت حکومت حضرت نیز از جمله اموری است که در صورت عدم وجود روایات در مورد آن مجالی برای درک و دریافت عقل فراهم می‌شد و لکن با وجود روایات، نوبت به جولان عقل نمی‌رسد. بر این اساس مخالفان کوتاهی مدت حکومت امام مهدی علیه السلام باید همان‌گونه که در مباحث فقهی مرسوم و متعارف است به تحلیل و بررسی روایاتی که در این زمینه وارد شده است بپردازند، درحالی‌که آن‌چه در عمل مشاهده می‌شود ارائه تحلیل عقلی، فارغ از روایات فراوانی است که بر کوتاهی مدت حکومت آن حضرت دلالت دارند همان‌طور که آیت‌الله مکارم شیرازی در این زمینه می‌نویسند:

قطع نظر از روایات اسلامی، مسلم است که این آوازه‌ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه مدت نیست بلکه قطعاً برای مدتی است طولانی که ارزش این‌همه تحمل زحمت و تلاش و کوشش را داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۸۱)

پرواضح است که اگر روایات محدودکننده زمان حکومت حضرت نمی‌بود متناسب با طبیعت چنین انتظاری، طولانی بودن مدت حکومت آن حضرت است. توجه به همین نکته است که موجب شده طرفداران کوتاهی مدت حکومت با تحلیل و تعمیق در روایاتی که بر کوتاهی مدت حکومت امام مهدی علیه السلام اشاره دارند و تمام همت و توجه خود را به واکاوی

این گونه از روایات معطوف نموده‌اند.

با عنایت به نکته پیش گفته، محوریت در این گونه از مباحث، توجه به روایات مطرح خواهد بود و ادله عقلی تنها در جایگاه تأیید توان استناد را خواهند داشت.

دلیل و قائلین نظریه کوتاه بودن مدت حکومت امام مهدی علیه السلام

عمده‌ترین دلیل بر طرح نظریه کوتاهی مدت حکومت امام مهدی علیه السلام علی‌رغم آن که طولانی بودن مدت حکومت امری است که با این گونه غیبت دامنه‌دار متناسب می‌باشد، توجه به رویکرد نقلی حاکم در این گونه مسائل و روایات مورد استناد می‌باشد که نقش محوری را در ترجیح دادن نظریه کوتاهی مدت حکومت و فراهم نمودن بستری برای جمع‌آوری قرائن و شواهد این مطلب فراهم آورده است.^۱

نظریه کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه السلام مورد قبول برخی از اندیشمندان اسلامی قرار گرفته از جمله:

آیت‌الله سید صدرالدین صدر رحمته الله که ضمن اشاره به اختلاف روایات وارد شده در زمینه مدت حکومت امام مهدی علیه السلام به ویژگی در روایاتی که از طریق اهل سنت نقل شده است، ابتدا سخنی از *اسعاف الراغبین* (ص ۱۵۵) در ترجیح روایات هفت سال - به شرح ذیل - نقل می‌کند:

بیشتر روایات بر این موضوع اتفاق دارند که مدت حکومت او هفت سال است و تردید و زیادتر از این مقدار تا تمام شدن نه سال است و در مورد روایت شش سال هم همین موضوع مطرح است.

سپس در ادامه می‌نویسند:

بیشتر احادیث این باب بر این موضوع اتفاق دارند که مدت حکومت او هفت سال است و تردید در زیادتر از این مقدار تا تمام شدن، نه سال است و این قول (هفت سال بودن حکومت) ظاهرتر و مشهورتر است. (صدر، ۱۴۲۴: ۲۴۱-۲۴۲)

سید محمدکاظم قزوینی رحمته الله نیز پس از اشاره به روایت‌های مختلفی که در زمینه مدت زمامداری امام مهدی علیه السلام وارد شده است می‌نویسد:

به نظر نگارنده، روایات دسته دوم که سال‌های حکومت آن حضرت پس از قیام برای اصلاح جهان را حدود بیست سال عنوان می‌کند، بیشتر است و بدان دسته بهتر

۱. رک: بحارالانوار، ج ۵۲؛ رک: مقاله بررسی روایات مدت حکومت امام زمان علیه السلام، ورمزیار، مصطفی، پژوهش‌های مهدوی، قم، ش ۶.

می‌توان اعتماد کرد. (قزوینی، ۱۴۱۵: ۵۱۹)

تأییدی برای نظریه کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه السلام

از جمله اموری که به تسهیل در پذیرش نظریه کوتاه بودن زمان حکومت امام یاری می‌رساند؛ عدم تعجب و به دنبال آن عدم سؤال راویان احادیث زمان حکومت امام مهدی علیه السلام در کنار عدم احساس نیاز توضیح از جانب ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد. گویا مدت ذکرشده در روایات، در نظر گوینده و مخاطب مدتی قابل قبول برای تشکیل یک حکومت تلقی می‌شده است؛ لذا هیچ سؤالی از چرایی کوتاهی آن و یا عدم تناسب آن با مأموریت آن حضرت، مطرح نشده است. البته ممکن است گفته شود روایاتی که در آن‌ها مدت هفت سال، با ده برابر شدن، هفتادسال خوانده شده‌اند به انگیزه رفع استبعاد از کوتاهی زمان حکومت امام مهدی علیه السلام صادر شده‌اند. شیخ طوسی از «فضل بن شاذان» از «عبدالله بن القاسم الحضرمی» از «عبدالکریم بن عمرو الخثعمی» این‌گونه روایت کرده است که:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه مدت قائم علیه السلام حکومت خواهد کرد؟ فرمود: هفت سال؛ که به سال‌های شما هفتادسال می‌شود. (طوسی: ۷۹۰)

و لکن باید توجه داشت که اگرچه «سخنان فراوانی در توجیه این روایت - که اساس روایاتی از این قبیل است - به میان آوردند که برخی شگفت‌آورتر از خود روایت است. در مراجعه به منابع پیش از آن، درخواستیم یافت که در هیچ‌یک از منابع پیش از آن، به این روایت اشاره نشده است... کسانی که به مضمون روایت پافشاری می‌کنند پاسخ دهند که اساساً چنین رخدادی به کدامین توجیه اتفاق خواهد افتاد، درحالی که نظام کنونی بدون آن که دارای نقص و کاستی باشد، می‌تواند در آن دوران نیز ادامه یابد؟ و اگر شگفتی‌هایی در نظام کهکشان برای پیامبران پیشین علیهم السلام رخ داده، بنا بر ضرورتی آن معجزات صورت گرفته است که در زمان ظهور آن‌هم با استمرار به مدت طولانی لزومی ندارد. افزون بر آن، ده‌ها روایت که سخن از مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام را به میان آورده‌اند، هرگز به این معنا اشاره‌ای نکرده‌اند.» (سلیمیان، ۱۳۸۵: ۲۸۷)

نتیجه‌گیری

هرچند در پاسخ به کمینه و بیشینه مدت حکومت مهدوی، نقل‌های گوناگونی گزارش شده است که آن را از اعدادی کمتر از ده سال تا فراتر از چند صدسال به تصویر کشیده‌اند؛ اما می‌توان با نگاهی به خانواده احادیث این موضوع به جمع‌بندی واقعی از این

روایات نزدیک شد.

دقت سندی در روایات مطرح شده یکی از راه‌های دست‌یابی به پاسخ مطمئن به این موضوع می‌تواند تلقی شود، هرچند این دقت به‌تنهایی نمی‌تواند راه‌گشا در این مسیر باشد. از این رو تلاش شد افزون بر این نکته با کمک خرد و استدلال به بررسی دلایل هر دو نگاه کلان پرداخت. حاصل نگرش به آن‌چه گذشت آن است که با وجود دلایل نقلی و عقلی که بر نظریه طولانی بودن زمان حکومت امام مهدی علیه السلام بیان شده است، اما در برآیندی کلی نتیجه گرفته شد مجموع روایات بر کوتاهی مدت حکومت دلالت می‌کنند. همچنین برخی نکات که به تسهیل پذیرش نظریه کوتاهی مدت حکومت دلالت دارند همراه با برخی از قائلین به نظریه کوتاه بودن مدت حکومت، مورد اشاره قرار گرفت. در نهایت پیوند رستاخیز و فرجام دادرسی در قیامت با پایان حکومت مهدوی می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از دغدغه‌ها در لزوم طولانی بودن حکومت مهدوی تلقی شود.

با توجه به برخی نکات مطرح شده در این مقاله، پژوهش در رابطه با لزوم بازنگری در مورد نگاه منتظر واقعی به حکومت آن حضرت و این‌که امام زمان علیه السلام امامی دانسته شود که در حقیقت عهده‌دار امامت و امام عصر غیبت است؛ (غنوی، ۱۳۹۳: ۲۷) همچنین واقعی یا نمادین دانستن برخی نشانه‌های دوران ظهور امام مهدی علیه السلام همانند طولانی بودن عمر انسان‌ها؛ پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی، *الاقبال بالاعمال الحسنة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش
- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، تبریز، بنی هاشم، ۱۳۸۱ ق
- الهی نژاد، حسین، *نمادگرایی در نشانه های ظهور، مشرق موعود*، ش ۳۸، قم، آینده روشن، تابستان ۹۵
- حلّی، حسن بن یوسف، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تحقیق: علامه حسن زاده آملی، قم، مؤسسه النشر الاسلامیة، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ ق
- رحمن ستایش، محمد کاظم، *جهان پس از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از دیدگاه روایات، مشرق موعود*، ش ۳۲، قم، آینده روشن، زمستان ۹۳
- رضوانی، علی اصغر، *دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر*، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش
- _____، *موعودشناسی و پاسخ به شبهات*، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ ششم، ۱۳۸۸ ش
- رضوی، رسول، *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴ ش
- سبحانی نیا، محمد تقی، *نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه سازی ظهور، مشرق موعود*، شماره ۱۱، قم، آینده روشن، پاییز ۱۳۸۸
- سفارینی، محمد بن احمد، *لوائح الانوار البهیة والبحور الزاخرة*، قاهره، ۱۳۲۴ ق
- سلیمان، کامل، *روزگار رهایی*، تهران، نشر آفاق، ۱۳۸۶ ش
- سلیمیان، خدامراد، *پرسمان مهدویت*، قم، شباب الجنه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش
- _____، *فرهنگ نامه مهدویت*، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف، ۱۳۸۸ ش
- شاکر، محمد تقی، *اعجاز و تمدن الهی عصر ظهور* (مجموعه مقالات هشتمین همایش بین المللی پژوهش های قرآنی)، قم، انتشارات دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۴ ش
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، *معرفت امام زمان و تکلیف منتظران*، تهران، موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، ۱۳۸۷ ش
- صافی، لطف الله، *منتخب الاثر فی الامام المنتظر*، ترجمه: محسن احمدی، قم، ۱۳۹۳ ش
- صدر، سید محمد، *تاریخ مابعد الظهور*، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۲ ق
- صدر، صدرالدین، *المهدی فی کتب الصحاح والسنن*، بیروت، دار الرافدین، بی تا

- صدر، محمد، تاریخ پس از ظهور، تهران، موعود عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ، ۱۳۸۴ ش
- صدر، محمدباقر، دروس فی علم الاصول، قم، دارالعلم، ۱۴۳۵ق
- صدوق، محمدبن علی بن حسین، کمال‌الدین و تمام النعمة، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق
- _____، الخصال، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ق
- طبری، محمدبن جریر، دلائل الامامة، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق
- طوسی، محمدبن الحسن، تهذیب الاحکام، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ق
- _____، الغیبة، ترجمه و تحقیق: مجتبی عزیزی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۱ق
- _____، الغیبة، مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۴۲۵ق
- غنوی، امیر، مدیریت از فرادست بر پایه مستندات، مشرق موعود، ش ۳۲، قم، آینده روشن، زمستان ۱۳۹۳
- قزوینی، محمدکاظم، الامام المهدی من المهدی الی الظهور، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۵ق
- قنبری، آیت، آینده جهان در نگاه ادیان، تهران، اداره آموزش های عقیدتی سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ش
- کاشف الغطاء، محمدحسین، اصل الشیعة و اصولها، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق
- کلینی، محمدبن یعقوب، الاصول من الکافی، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۵ق
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقیة)، قم، دارالرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لأخبار الائمة الاطهار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
- محمدی ری شهری، محمد، دانش نامه امام مهدی عجل الله فرجه، تهران، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۹۳ش
- مرتضوی، محمد، ظهور مهدی در انتخاب ماست، مشرق موعود، ش ۱۱، قم، آینده روشن، پاییز ۱۳۸۸
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله فرجه، قم، نسل جوان، چاپ نهم، ۱۳۹۲ش
- نعمانی، محمدبن ابراهیم الکاتب، الغیبة، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق
- ورمزیار، مصطفی، بررسی روایات مدت حکومت امام زمان عجل الله فرجه، پژوهش های مهدوی، قم، ش ۶، آینده روشن، پاییز ۹۲



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی